



اعتصابات و اعتراضات

در مراکز بزرگ و کوچک کارگری ادامه دارد

در تلاشند به اشکال و ابزار مختلف شرایط را برای دزدان میلیاردر مساعدتر کنند و مانع اتحاد و تجمع و اعتراض کارگران شوند.

صفحه ۲

پردازند، راهی جز اعتراض و مبارزه برای کارگران باقی نمیگذارد. این اعتراضات کارگران را در تقابل هرروزه با حکومت اسلامی و نیروهای سرکوب و حراست و مقامات ریز و درشتش قرار میدهد که

اعتصابات کارگری بی وقفه جریان دارد. تعرض کارفرمایان و سرمایه داران حریص که از نان شب کارگران نیز نمیگذرند و حتی حقوق زیر خط فقر توافق شده کارگران را ماهها نمی

دولت ترکیه از حملات اخیر خود چه اهدافی را

دنبال می کند؟

مصاحبه با محمد آسنگران

صفحه ۳

مذاکرات صلح با طالبان،

آیا وزیرستان دیگری در راه است؟

سیامک بهاری

ستمیدیده و حقوق پایمال شده آنان را نمایندگی نکرده و نخواهند کرد. تلاش حکومت افغانستان برای کنار آمدن با طالبان، تحت عنوان خاتمه دادن به جنگ داخلی موضوع جدیدی نیست. از سیاست یک بام و دو هوای حامد کرزی با طالبان، سپس دولت "وحدت ملی" غنی و عبدالله و دیگر باندهای حکومتی بر سر کنار آمدن با طالبان تا به امروز با هر فراز و نشیبی، بخشی از یک استراتژی شناخته شده در دستگاه حکومتی افغانستان، پیرو سیاستهای امریکا و متحدینش در منطقه بوده است.

بلای جان مردم گردیده است. در این پروسه دردناک، حکومت "وحدت ملی" همان راهی را میبرد که اسلاف او رفته اند. در این میانه، مردم افغانستان هیچگاه نماینده ای در هیچکدام از حکومتهای جنگ افروز نداشته اند. پروسه صلح با طالبان نیز بر همین منوال است. صلح و تقسیم قدرت با یکی از هارترین، مرتجع ترین، زن ستیزترین جریان اسلامی تروریستی، که جز جنایت علیه بشریت آثاری از او دیده نمیشود. برای مردم افغانستان هیچ معنایی جز تشدید وضعیت فلاکت بار کنونی ندارند. هیچکدام از طرفین مذاکره حتی یک لحظه مردم

صفحه ۶

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۹

جمعه ۹ مرداد ۱۳۹۴، ۳۱ جولای ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

خامنه ای از چه نگرانست؟

مرسی و قذافی بعدی کیست؟

صدای اعتراض کارگران از زندان و از

دل جامعه!

حقوق حیوانات بر دین ارجحیت دارد!

صفحه ۵

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در مورد تحولات منطقه و حملات اخیر

دولت ترکیه

صفحه ۷

موج آدمکشی جمهوری اسلامی را

متوقف کنیم!

صفحه ۸

اعتراضات معلمان

و هراس حکومتیان

شهلا دانشفر

صفحه ۸

اعتصابات و اعتراضات در مراکز بزرگ و کوچک کارگری ادامه دارد



خواهند داد .

تجمع کارگران شرکتی راه‌آهن خراسان

کارگران شرکتی اداره سیر و حرکت راه آهن خراسان رضوی در اعتراض به عدم رسیدگی به پرونده شکایت کارگران از وضعیت حقوق و مزایای خود در مقابل اداره کار استان دست به تجمع زدند. مدیر روابط کار، کارشناس طبقه بندی مشاغل و رئیس بازرسی اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی بلافاصله در جمع کارگران حاضر شدند و وعده دادند که به خواست کارگران رسیدگی میکنند.

این اعتصابات تنها بخش کوچکی از اعتصابات کارگری است که هر هفته در نقاط مختلف کشور جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۸ مرداد ۱۳۹۴، ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۵

کارگران پروژه سد تنگ سرخ شیراز دست به اعتصاب و تجمع زدند

روز ۷ مرداد کارگران پروژه سد تنگ سرخ شیراز در مقابل شرکت آب منطقه‌ای استان فارس، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان دریافت ۹ ماه حقوق معوقه خود شدند. با وعده مدیریت این شرکت که تا ۱۰ روز آینده تمامی کارگران مطالبات معوقه خود را دریافت خواهند کرد، اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران خاتمه یافت .

بازنشستگان شرکت مخابرات استان ایلام دست به تجمع زدند

روز ۳۰ تیرماه، تعدادی از بازنشستگان شرکت مخابرات استان ایلام با تجمع در این شرکت خواسته‌های خود را در ۱۰ بند اعلام و تصریح کردند که تا حصول خواسته‌های خود به تجمعات اعتراضی ادامه

صنعت هفت تپه که از ۶ مرداد دست به اعتصاب زده بودند به اعتصاب خود در روز ۷ مرداد نیز ادامه دادند. کارگران خواهان دریافت دستمزدهای معوقه خود هستند. کارگران رسمی معادل ۲ ماه، کارگران قراردادی ۴ ماه و رانندگان شاغل در مجتمع صنعتی نیشکر هفت‌تپه معادل ۸ ماه دستمزدشان بالا کشیده شده است.

صدها آتش نشان در تهران دست به تجمع زدند

صبح روز اول مردادماه، صدها آتش نشان مقابل سازمان آتش‌نشانی واقع در خیابان آزادی دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به حقوق پایین خود، قرار نگرفتن این شغل در رده مشاغل سخت و زیان آور و وضعیت نابسامان آتش‌نشانان و برخی خواست‌های دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع اولین تجمع اعتراضی کارکنان آتش‌نشانی است. بعد از دقایقی ملکی مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی با کارگران وارد گفتگو شد و پس از آن طی نامه ای قول داد به خواست‌های کارگران رسیدگی میشود. کارگران موقتاً به اعتصاب خود پایان دادند.

کارگران پالایشگاه نفت و گاز خلیج فارس بندربعباس

روز اول مرداد، بیش از ۳۰۰۰ کارگر پالایشگاه نفت و گاز ستاره خلیج فارس بندربعباس در اعتراض به قطع آب و قطع پی در پی برق سایت‌ها و خوابگاهها که منجر به خاموش شدن چراغها و کولر داخل کانکسهای محل‌های استراحت کارگران می‌شد، در خیابانهای محوطه پالایشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند که منجر به درگیری با انتظامات داخلی و همچنین نیروی انتظامی گردید. بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری کارگران این پالایشگاه، هفته گذشته نیز در اعتراض به تاخیرچند ماهه در پرداخت حقوق و همچنین وضعیت غیر قابل تحمل آب مصرفی کارکنان پالایشگاه دست به تجمع زدند که کارفرما با کمک گرفتن از نیروهای انتظامی و آتش‌نشانی مستقر در داخل پالایشگاه اقدام به پراکنده نمودن کارگران کرد که این دخالت موجب درگیری بین کارگران و نیروی انتظامی گردید و چند نفر از کارگران در این درگیری مجروح و مصدوم شدند.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه

کارگران مجتمع کشت و

از صفحه ۱

این روزها پادوهای دوم خردادی حکومت و مدافعان دولت روحانی نیز بار دیگر با کوبیدن بر طبل صبر و انتظار و فرصت دادن به دولت تدبیر و امیدشان در تلاشند کارگران و معلمان و پرستاران را به سکون و انتظار بکشانند. اما علیرغم همه سرکوبها و فریبکاری‌های تهور آور آنها، کارگران حتی یک روز از اعتصاب و مبارزه و مقابله با کارفرمایان باز نمی‌ایستند. اعتراضات کارگران در یک هفته گذشته که گوشه‌هایی را اینجا بازگو میکنیم شاهدهی بر این حقیقت است:

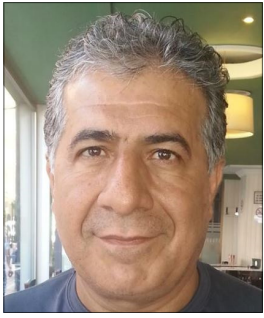
کارگران سایپا دست به اعتصاب هشدار زدند

۱۵۰۰ کارگر شرکت قالب‌های صنعتی سایپا روز ۶ مرداد در اعتراض به تاخیر در پرداخت مزد و عدم پرداخت آکورد و بن دست به اعتصاب هشدار زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب از سالنهای یک و دو، شامل ماشین‌کاری و فینیشینگ شروع شد و سرعت به سالنهای دیگر کشیده شد. اعتصاب با وعده‌های یکی از مدیران شرکت خاتمه پیدا کرد و کارگران با اعلام اینکه مصرانه خواهان تحقق خواست‌هایشان هستند بر سر کارهای خود بازگشتند.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

دولت ترکیه از حملات اخیر خود چه اهدافی را دنبال می کند؟

مصاحبه با محمد آسنگران



شدگان را تحت عنوان تروریست و یا حامی نیروهای تروریست به محاکمه بکشد. معنی داخلی این مجموعه اقدامات دولت ترکیه این است که جامعه را ساکت و مرعوب کند تا با خیال راحت تری وارد پروسه تجدید انتخابات بشود. اما بدون شک این ترفندها سیر رو به افول موقعیت آ.پ. و اردوغان را متوقف نخواهد کرد.

انترناسیونال: ناتو و دولتهای غربی از حملات اخیر ترکیه به داعش و پ.ک.ک حمایت کردند و عملاً سرکوب نیروهای چپ و آزادیخواه را هم مورد تأیید قرار دادند. جمهوری اسلامی هم این را تحولی مثبت در سیاست ترکیه دانسته است. با توجه به اوضاع داخلی ترکیه و نامشخص بودن وضعیت قدرت سیاسی در این کشور آیا این به معنای حمایت ناتو و رضایت جمهوری اسلامی از باقی ماندن اردوغان در قدرت است؟

محمد آسنگران: جمهوری اسلامی فعلاً و بعد از توافق هسته ای تلاش میکند مثل قبل در مقابل سیاستهای آمریکا قرار نگیرد. این تحول اخیر در ترکیه هم چون با توافق آمریکا بوده و جمهوری اسلامی فکر میکند میتواند در جهت تضعیف داعش و تقویت اسد باشد آنرا مثبت ارزیابی کرده است. علاوه بر این جمهوری اسلامی همیشه یک حکومت اسلامی از نوع آ.ک.پ. را به حکومتی سکولار در ترکیه ترجیح داده است. اما ناتو و کشورهای غربی روابط و قرار و مدارهای استراتژیکی با ترکیه دارند و ترکیه عضوی از ناتو است و همیشه دولتهای ترکیه با هر سیاستی که داشته اند مورد حمایت آنها بوده است. دول غرب تلاش میکنند رو بکرد اردوغان و بلندپروازیش را با دادن امتیازاتی به او به نفع هضم شدن در سیاستهای منطقه ای خود تشویق کنند.

مصونیت پارلمانی داشته باشند و همه اعضا این حزب که اکنون عضو پارلمان هستند باید از پارلمان اخراج بشوند. این اقدامی در این جهت است که دولت موقت آ.ک.پ. و نیروهای امنیتی ترکیه بتوانند آنها را دستگیر و به محاکمه بکشند. اما مقامات پایین تر آ.ک.پ. گفته اند باید حزب ها، د.پ. ممنوع فعالیت شود و بعد وارد پروسه تجدید انتخابات بشوند. زیرا بعد از نتایج انتخابات اخیر در ترکیه آ.ک.پ. خواهی بود که اکثریت مطلق کرسی های پارلمان را از آن خود بکند تا بتواند به تنهایی دولت تشکیل دهد.

انترناسیونال: در روزهای اخیر در ترکیه تظاهرات و اعتراضات وسیعی بوقوع پیوسته است. پس از حمله وحشیانه داعش به نشست جوانان در شهر سورج مردم انگشت اتهام را بطرف دولت ترکیه گرفتند و پس از یورش دولت ترکیه و دستگیریهای وسیع هم اعتراضات وسیعی از طرف مردم انجام شده است. شما تأثیرات این اعتراضات را چگونه می بینید؟

محمد آسنگران: طبیعاً اعتراضات مردم در ترکیه به این دو مورد خلاصه نمیشود. ریشه و ابعاد نارضایتی مردم بسیار فراتر از این است. قبل از این اتفاقات یکی از نتایج این نارضایتها این بود که در انتخابات اخیر ترکیه مردم به حاکمیت تک حزبی و عنان گسیخته اردوغان و حزب اش پایان دادند. اکنون حزب اردوغان نمیخواهد این شکست را بپذیرد و جنگ با پ.ک.ک را آغاز کرده است که در فضای جنگی هم ناراضیان شناخته شده را دستگیر و به محاکمه بکشد هم تعدادی از سمپاتهای داعش را دستگیر کرده است که همه دستگیر

حملات به داعش پس از یکی دو روز تقریباً متوقف شده است، آیا این بهانه ای تهاجم به نیروهای کرد و همچنین سرکوب نیروهای چپ و آزادیخواه نبود؟

محمد آسنگران: بهانه دولت ترکیه و نیروهای امنیتی این است که اعلام کرده اند با تروریسم مقابله میکنند. داعش و پ.ک.ک و نیروهای چپ مخالف دولت را در کنار هم قرار داده و همه آنها را تروریست نامیده و گفته میشود بیش از هزار نفر را بازداشت و تحت عنوان مقابله با تروریسم دستگیر شده اند. حمله به داعش متوقف بشود یا نشود در ماهیت این سیاست تغییری ایجاد نمیکند. زیرا دولت ترکیه از همسایگی داعش نگران نبود. مقامات دولت ترکیه و اردوغان هنگامی اعلام نگرانی از مرزهای خود کردند که داعش در فاصله کوبانی و جزیره شکست خورد و شهر تل ابیض به دست نیروهای مسلح کردستان سوریه افتاد. ترکیه اینرا میدانند که حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و نیروهای مسلح خود را نزدیک به پ.ک.ک و اوچلان را رهبر خود میدانند.

این تحولات هنگامی نگرانی عمیق اردوغان و دولت آ.ک.پ. را به دنبال داشت که در انتخابات پارلمانی ترکیه آ.ک.پ. شکست خورد و نتوانست به تنهایی دولت تشکیل دهد. حزب ها، د.پ. ترکیه که حزبی نزدیک به پ.ک.ک است هشتاد کرسی از کرسیهای پارلمان ترکیه را به دست آورد. این تغییر رویکرد اخیر ترکیه قرار است هم شکست آ.ک.پ. در انتخابات را جبران کند، هم نقش تضعیف شده اردوغان که ادعای زنده کردن سنت سلطانه عثمانی را در سر دارد در منطقه تقویت نماید. چند روز بعد از آغاز حمله به پ.ک.ک و دستگیریهای وسیع در شهرهای ترکیه اردوغان رسماً اعلام کرد که رهبران حزب ها، د.پ. نباید

داعش در کردستان سوریه صورت گرفته است. زیرا پاکسازی کل مناطق مرزی ترکیه و سوریه از داعش بوسیله نیروهای ضد داعش در کردستان سوریه با همکاری نیروهای ائتلاف جلی بود. ترکیه از همین نگران بود که فاصله کوبانی و عفرین هم مانند کوبانی و جزیره داعش شکست بخورد و کل خط مرزی دو کشور تحت تسلط نیروی احزاب کردستان سوریه قرار گیرد. بنابر این اقدام نظامی دولت ترکیه علیه داعش اقدامی پیشگیرانه بود که به بهانه ایجاد منطقه "امن" صورت گرفته است. منطقه امن از نظر دولت ترکیه به این معنا است که ارتش ترکیه بر خطوط مرزی ترکیه و سوریه تسلط داشته باشد. طبق طرح اعلام شده ترکیه تا عمق چهل کیلومتری خاک سوریه قرار است منطقه امن اعلام بشود و پناهندگان سوری در این مناطق اسکان داده شوند. اگر این طرح اجرا بشود کوبانی و قامیشلو و عفرین و تمام شهرهای و روستاهای مرزی در شمال سوریه تا عمق چهل کیلومتری خاک سوریه تحت تسلط ارتش ترکیه قرار میگیرد.

بنابر این طرح اعلام شده آ.ک.پ. به رهبری اردوغان جنگ با داعش برای شکست این نیروی تروریست اسلامی نیست. بلکه اشغال شمال سوریه و محدود کردن نیروهای مسلح ضد داعش در این منطقه است. داعش اکنون از نظر ترکیه دوست نالایقی است که نتوانسته اهداف مورد نظر ترکیه را با تسلط بر مرزهای ترکیه و سوریه اجرا کند. اکنون خود ارتش ترکیه اقدام به این کار کرده است و دوست نالایق خود را دارد تنبیه میکند.

انترناسیونال: ارتش ترکیه همزمان با حمله به داعش، پایگاههای پ.ک.ک را هم مورد تهاجم قرار داد و در داخل ترکیه نیروهای امنیتی تهاجم گسترده ای را به افراد پ.ک.ک و داعش و آزادیخواهان و نیروهای چپ آغاز کرده است، با توجه به اینکه

انترناسیونال: در هفته گذشته شاهد رخدادهای زیادی در ترکیه بوده ایم که در بیانیه کمیته کردستان حزب به آنها اشاره شده است. نیروهای داعش در دو سه سال اخیر از حمایت های مستقیم و غیر مستقیم دولت ترکیه برخوردار بوده است، اما در چند روز گذشته ورق برگشته و این نیروها مورد حمله ارتش ترکیه قرار گرفته اند. چرا چنین اتفاقی افتاد؟ محمد آسنگران: ترکیه علیرغم اینکه به ظاهر یکی از اعضای ائتلاف دولتهای علیه داعش بود، اما تا یک هفته قبل به جای مقابله با داعش عملاً از داعش حمایت میکرد. حتی به آمریکا اجازه استفاده از پایگاههای هوایی خود را نداد. همچنانکه شما هم گفتید اخیراً ورق برگشته است و ارتش ترکیه در مناطق محلودی در مرز سوریه و ترکیه مواضع داعش را بمباران کرده است. به آمریکا اجازه داده است که از پایگاه هوایی اینجرلیک برای پرواز هواپیماهای جنگی استفاده کند. آمریکا هم توافق کرده است که ترکیه در مرز خود با سوریه منطقه "امن" ایجاد کند. این یک معامله و بده بستان است که آمریکا و ترکیه به آن دست زده اند.

اولاً این اقدام هنوز به معنای مقابله جلی با داعش نیست. دوماً هدف ترکیه اساساً این است که به جای داعش ترجیحاً نیروهای نظامی خود را در این مناطق مرزی در خاک سوریه مستقر کند. در عین حال امکان اینکه نیروهای نزدیک به خود در سوریه را در این منطقه مستقر کند را باز گذاشته است. مقامات دولت ترکیه اعلام کرده اند حمله به داعش به این منظور صورت گرفته است که منطقه "امن" در این مرز ایجاد کنند.

اما سیاست و استراتژی انترناسیونال: دولت ترکیه و توافقاتش با آمریکا در این اقدام فراتر از آن چیزی است که رسماً اعلام شده است. این اقدام اساساً به منظور محدود کردن نیروهای مسلح ضد

دولت ترکیه ...

مصاحبه با محمد آسنگران

از صفحه ۳

انترناسیونال: فرمانده نیروهای ناتو در مورد حمله هوایی ترکیه به پایگاه‌های پک ک در خاک عراق علیرغم حمایت از ترکیه خواستار متوقف نشدن روند مذاکره دولت ترکیه با پک ک شده است. آیا این را می‌توان فقط یک ژست دیپلماتیک ارزیابی کرد؟

محمد آسنگران: توصیه ناتو و آمریکا به دولت ترکیه با این زبان نرم و دوستانه به دلیل منافع دراز مدت تری است که غرب در منطقه قبلا هم دنبال آن بوده است. کمک آمریکا و نیروهای ائتلاف به شکست داعش در کویانی و شمال سوریه علیرغم مخالفت ترکیه بود. یکی از نقشه های آمریکا این است که در شمال سوریه دولتی تشکیل بشود و این دولت دوست و همکار آمریکا باشد. اما نیروی اصلی چنین نقشه ای در شمال سوریه فعلا از نظر آمریکا حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه است که به دلیل رابطه اش با پک ک هنوز قابل اعتماد غرب نیست. حمله ترکیه به پک ک و حمایت ناتو از این حمله از منظر آمریکا و غرب در عین حال قرار است تحولی در مناسبات پک ک و حزب اتحاد دمکراتیک هم ایجاد کند. زیرا آمریکا از یک طرف به حزب اتحاد دمکراتیک کمک میکند که در مقابل داعش قدرتمند عمل کند، از طرف دیگر حمله ترکیه به پک ک را حمایت میکند. در حین پیشبرد این سیاست چند جانبه بر ادامه پروسه مذاکره ترکیه و پک ک هم تاکید میکند. دولت ترکیه هم به نوعی همین بازی سیاسی را با حزب ها، د. پ. در ترکیه استارت زده است. فشار ترکیه علیه حزب ها، د. پ. بخشا به این منظر است که رابطه اش با پک ک را قطع کند. با توجه به سیاستهایی که غرب و ترکیه پی گرفته اند می‌خواهند به حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و حزب ها، د. پ. در ترکیه نشان بدهند اگر رابطه آنها با پک ک قطع بشود می‌توانند مناسبات بهتری با غرب و

ترکیه داشته باشند.

انترناسیونال: ما بطور مدام شاهد تغییر در صف بندی ها و مواضع نیروهای سیاسی درگیر در منطقه هستیم. چه پارامترهایی در این مسئله تاثیر دارند؟

محمد آسنگران: همچنان که می‌بینید کل خاورمیانه و بخشی از کشورهای آفریقایی به میدان تاخت و تاز جریانات اسلامی تروریست تبدیل شده است. اکنون داعش بخش بزرگی از کشورهای عراق و سوریه را تحت کنترل دارد. مناطقی که اکنون در کنترل داعش است بزرگتر از مناطقی است که دولت بغداد و یا دولت سوریه و احزاب حاکم در کردستان عراق بر آن کنترل دارند. علاوه بر این داعش و جریانات اسلامی نزدیک به او اکنون بخشی از صحرای سینا، بخشی از کشور لیبی و بخشی از نیجریه و سومالی را در اختیار دارند. در مناطقی از پاکستان و افغانستان و یمن هم در حال جنگ با رقبایشان هستند. این ابعاد از نفوذ و قدرت تخریب جریانات اسلامی تروریست در تاریخ معاصر بیسابقه بوده است. ابعاد این بحران نه تنها رو به کاهش نیست بلکه هر روز بر آن افزوده میشود. دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی هم هر کدام به نوعی در شعله ور کردن این آتش نقش دارند و اکنون سرنوشت صدها میلیون انسان در منطقه تحت تاثیر این وقایع قرار گرفته است. تعادل کل منطقه بهم ریخته و آینده قابل پیش بینی ای هم برای هیچ دولت و نیروی سیاسی در منطقه قابل تصور نیست. این بحران می‌تواند دهها سال ادامه داشته باشد. بر متن چنین فجایعی یارگیرها و اتحاد و افتراق دولتها و نیروهای دخیل در منطقه مرتب در حال تغییر است. هر کدام از دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی در دل این بحران به دنبال منافع خود هستند و دوستان و دشمنان خود را بر اساس تحولات کوتاه مدت و جاری انتخاب میکنند زیرا هیچ نیرو و دولتی استراتژی کامل و شاملی در دست ندارد. با این حال همه دولتها و جریانات سیاسی منطقه در یک تصویر کلی در میان دو قطب جهانی غرب و روسیه تقسیم شده اند و بالتبع در منطقه هم صف بندی آنها

بر اساس نزدیکی و دوریشان به دو قطب اسلام سیاسی شیعه و سنی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی قابل تشخیص است. اما در میان این دو قطب دولتها و جریاناتی در حال نوسان هستند.

اکنون بعد از توافق هسته ای آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی و بعد از توافق آمریکا و ترکیه بر سر مسائل منطقه تغییراتی در جریان است که تا حدودی متفاوت از روند یک ماه قبل است. هر آن ممکن است تحولات دیگر و یارگیریهایی دیگری در منطقه اتفاق بیفتند و جایجایی نیروهای سیاسی و نزدیکی و دوریشان از همدیگر دستخوش تحول بشود. اینها آن پارامترهایی است که تغییر سیاست دولتها و جریانات سیاسی منطقه را رقم می‌زند. برای مثال ابتدا بشار اسد در خطر سقوط قرار گرفت و جمهوری اسلامی در حال جنگ با پک ک بود. با یک چرخش کوتاه مدت جمهوری اسلامی و پک ک آتش بس اعلام کردند و رابطه پک ک و اسد چنان نزدیک شد که مناطق کردنشین سوریه را قدم به قدم و برنامه تحویل نیروهای نزدیک به پک ک دادند.

در مقابل این تحول بلافاصله اردوغان برای خنثی کردن نقشه جمهوری اسلامی و اسد با پک ک وارد مذاکره شد و آتش بس اعلام شد.

اکنون با تحولاتی که اتفاق افتاده است ما شاهد از سرگیری حمله ترکیه به پک ک هستیم و جمهوری اسلامی که قبلا در رقابت با ترکیه و به منظور کمک به اسد آتش بس با پک ک را پذیرفته بود، اکنون از حمله ترکیه به پک ک، نه تنها نگران نیست بلکه آنرا تحولی مثبت در سیاست ترکیه ارزیابی کرده است. از آنطرف ترکیه که تا یک هفته قبل یار و همکار داعش بود و کلاشان با آمریکا توهم رفته بود اکنون با آمریکا به توافق رسیده است و حمله به داعش را آغاز کرده است. این روند و تغییر و جایجایی یارگیرها و تقابلها همچنان ادامه خواهد داشت. زیرا کل منطقه در بحران وسیع و عمیقی گرفتار شده است. تا وقتی که ثبات سیاسی در

منطقه برقرار نشود این تحولات تابعی از مسائل سیاسی روز و منافع قدرتهای منطقه ای و جهانی است.

انترناسیونال: در بیانیه کمیته کردستان حزب تشکیل جبهه ای از کمونیستها و نیروهای چپ و آزادیخواه برای مقابله با نیروهای تروریسم اسلامی، حملات ترکیه و جریانات ناسیونالیست و مذهبی، پیشنهاد شده است. تشکیل چنین جبهه ای را تا چه حد امکان پذیر می‌دانید و چه مسائلی می‌تواند محور اصلی پلانفرم و اهداف این جبهه باشد؟ نقش مردم و نیروهای چپ را در این میان چگونه می‌بینید؟

محمد آسنگران: در میان دریایی از خون و آتش آوارگی و کشتاری که جریانات تروریست اسلامی و دولتهای درگیر در منطقه درست کرده اند مردم آزادیخواه و چپ جامعه تنها نیرویی هستند که می‌توانند این روند تخریب و کشتار را متوقف کنند. این نیرو و جنبش اجتماعی از هر جنبش و حرکت سیاسی دیگری در جامعه قویتر است اما با این حال هنوز سخنگوی قابل اتکای خود را پیدا نکرده است. اگرچه جنبش آزادیخواهی و سکولار و چپ در یک بعد اجتماعی قوی و بخش مهمی از جامعه را تشکیل میدهند اما هنوز پراکنده است و به شکل یک جنبش اجتماعی ولی بدون سر و بدون سخنگو قابل مشاهده است. این نیرو و این جنبش تا وقتی که یک پرچم قابل اعتماد و قابل اتکا پیدا نکند نمیتواند نقش موثر خود را در جدالهای سیاسی منطقه و در هر کشوری ایفا کند.

جریانات چپ و آزادیخواه و سکولار اگر نقشی دارند و می‌خواهند نقش تاریخی خود را ایفا کنند باید این جنبش اجتماعی را ببینند و پرچمی باشند که بتوانند اعتماد این جنبش را به خود جلب کنند. مبنای فراخوان ما این ارزیابی و دیدن و اتکا به این جنبش اجتماعی است. در قدم اول جریانات چپ و آزادیخواه ایران و عراق می‌توانند با اتکا به این جنبش بر محور مطالبات و پلانفرم قابل قبولی برای پاسخگویی به نیاز این جنبش و برای مقابله با جریانات تروریست اسلامی و خنثی کردن

سیاست جریانات ناسیونالیستی و افشای سیاست دولتهای درگیر در منطقه در یک جبهه قرار بگیرند و فعالیت مشترکی را در ابعاد کشوری و جهانی آغاز کنند.

اینکه تا چه حد برافراشتن چنین پرچمی عملی است بستگی به این دارد این نیروهای متشکل موجود تا چه حد متوجه جنبشی هستند که در جریان است و نتوانسته نقش تاریخی و تعیین کننده خود را در جدالهای منطقه ایفا کند. من عمیقا معتقدم بدون شکل دادن به یک پرچم چپ و بدون شکل دادن به یک قطب سیاسی جدی متشکل از نیروهای چپ و آزادیخواه در منطقه هیچ نیروی سیاسی فعلا موجودی در کوتاه مدت نمیتواند به تنهایی اعتماد این جنبش را و ظرفیت و توان به حرکت درآوردن این جنبش اجتماعی را برای مقابله با جریانات اسلامی تروریست و دیگر نیروها و دولتهای ارتجاعی کسب کند. من فکر میکنم محورهای این حرکت و نیاز فوری این جنبش برای ایفای نقش سیاسی جدی و متحول کردن معادله سیاسی در هر کشور و در بعد منطقه ای به همت و روشن بینی جریانات چپ موجود گره خورده است. چپیی که شاهد هر روزه ابعاد کشتار انسانهای بی دفاع و آوارگی میلیونی مردم باشد و خطر گسترش ابعاد این جنایت را ببیند و روند تخریب جامعه را هر لحظه در صفحه تلویزیونها ببیند و تکانی نخورد و به روند تا کنونی فعالیتش اکتفا کند چیزی از سیاست و مبارزه طبقاتی نفهمیده است. در این راستا باید تلاش کرد به پرچمی و نیرویی شکل داد که پاسخی به اوضاع امروز باشد. چپیی که هنوز چهارچوب فکری و سیاسی خود را به همان کاری محدود کند که تا کنون انجام داده است متوجه کم تاثیر خود نیست و بیدار کردن چنین جریاناتی کار آسانی نخواهد بود. اما با توجه به مواضع سیاسی و احساس مسئولیت بخشی قابل توجهی از نیروهای چپ و آزادیخواه ایران و عراق من امیدوارم که این روند شکل دادن به یک چپ اجتماعی بر محورهای فوق در کوتاه مدت به نتیجه برسد. این کاری است که حزب کمونیست کارگری ایران آنرا وظیفه خودش میداند.

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

خامنه ای از چه نگرانست؟

سایت بی بی سی فارسی دلایل "نگرانی عملی محافظه‌کاران در ایران که توسط آیت‌الله خامنه‌ای نمایندگی می‌شوند" بنابر توافق هسته‌ای را چنین ذکر میکند: نفوذ فرهنگ آمریکایی در ایران و تهدید پایه‌های ایدئولوژیک حکومت، قدرتیگیری تکنوکراتهای سکولار و یا لیبرال اسلامی، و توطئه و جاسوسی آمریکا به کمک ناراضیان داخلی علیه حکومت.

در این تحلیل به شیوه همه رسانه‌های رسمی غرب آنچه غایب است قدرت مردم و ناراضی و اعتراضات توده مردم است. آنچه پایه‌های ایدئولوژیک رژیم را تهدید می‌کند روی آوری توده مردم و بویژه جوانان به فرهنگ مدرن و انسانی است، سکولاریسم و فراتر از آن رویگردانی از اسلام یک گرایش قوی و پرنفوذ در جامعه است، و بالاخره مهمترین "خطری" که حکومت را تهدید می‌کند نه توطئه‌های آمریکا بلکه طوفان

انقلاب و یا بقول حکومتیها "فتنه" ای است که توده مردم به ستوه آمده از فقر و بیحقوقی برپا خواهند کرد. رسانه‌ها و سایت‌های خبری نظیر بی بی سی همه چیز را در فعل و انفعال میان احزاب و دولت‌ها خلاصه می‌کنند اما کل این نگرانی‌ها و کشمکشها میان بالائی‌ها بر سر مهار کردن يك جامعه در حال انفجار است. تنها کمی تعمق لازم است تا در پس روابط پر دست انداز آمریکا و جمهوری اسلامی و دعوای جناحها و مواضع ضد و نقیض خامنه‌ای قدرت تهدید کننده توده مردم برای در هم ریختن کل این بساط را تشخیص داد. اگر رسانه‌های رسمی این بدبخت را نمی‌بینند به این خاطرست که منافع دولت‌ها و طبقات حاکمه چنین اقتضا می‌کند. منافع نود و نه درصد مردم ایران نه از جانب این رسانه‌ها بلکه بوسیله کارگران و معلمان و پرستارانی نمایندگی میشود که هم اکنون در دفاع از "معیشت و منزلت" خود مبارزه جانانه ای را علیه مفتخوران حاکم به پیش می‌برند.

مرسی و قذافی بعدی کیست؟

"بنظر می‌رسد در صورت اتخاذ هرگونه تاکتیک اشتباه از سوی سیاسیون حزب عدالت و توسعه در میزبان سنجی وزن نیروهای سیاسی داخلی و خارجی، آرزوی آقای اردوغان در دچار شدن بشمار اسد به سرنوشت معمر قذافی، تعبیرعکس خواهد گرفت وامکان برآورده شدن آرزوی بشمار اسد در دچار شدن آقای اردوغان به سرنوشت محمد مرسی محتمل‌تر بنظر خواهد رسید."

رادیو آمریکا

سرنوشت مرسی و قذافی را نهایتاً نه تاکتیک‌های اشتباه و یا درست آنها بلکه انقلاباتی رقم زد که کل توازن ژئوپلیتیک منطقه را به هم ریخت. امروز نه تنها معضل دولت ترکیه و دولت‌ها و نیروهای بلوک متحد و یا مخالفش، بلکه مشکل دولت آمریکا و متحدینش در منطقه نیز ناشی از این وضعیت بهم ریخته ای است که انقلابات بهار عرب بوجود آورده است. همین امروز نیز معضلات آقای اردوغان و حزب حاکم ترکیه در ناراضی عمیق و اعتراضات توده مردم این کشور ریشه دارد. علت اصلی اتخاذ تاکتیک تازه سرکوب پ ک ک و یگر احزاب اپوزیسیون و فعالین چپ در پوشش مقابله با

داعش اساساً از اینرو در دستور حزب عدالت و توسعه قرار گرفته است که در انتخابات اخیر اکثریت را از دست داد و رویای جناب اردوغان برای احیای امپراتوری عثمانی نقش بر آب شد. مردم با رای دادن به احزاب و نیروهای چپ و سکولار حزب حاکم را به عقب راندند. این رای منفی به اسلام معتدل ملل ترکیه از جمله ناشی از موج نفرت عمومی از داعش است که مورد حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت ترکیه قرار دارد. این در یک کیسه ریختن پ ک ک و داعش و بعد حمله به کل نیروهای چپ و سکولار تحت این پرچم ظاهراً تاکتیک خیلی حساب شده ای است. این عملیات قرارست هم چهره داعشی حزب حاکم ترکیه را تلطیف کند و هم اپوزیسیون چپ و سکولار را به عقب براند. اما اینجا هم باز نیروی مردم نادیده گرفته شده است. آنچه میتواند این سیاست را با شکست مواجه کند مقاومت و تعرض توده مردم علیه دولت ترکیه و علیه داعش و کلیه نیروهای اسلامی در منطقه است. تنها این نیرواست که میتواند بشمار اسد را به قذافی و اردوغان را به مرسی آتی تبدیل کند.

صدای اعتراض کارگران از

زندان و از دل جامعه!

شدند، کارگران کارخانه‌های سیمان در جاده اندیشک خرم آباد در حال اعتصاب هستند، تجمعات اعتراضی معلمان و پرستاران همچنان ادامه دارد و هر روز گزارشات متعددی نظیر اعتراضات کارگران آتش نشانی تهران، تجمع اعتراضی کارگران شرکت آب و برق کیش، اعتراضات کارگران شهرداری اهواز، کارگران کمباین سازی ایران، کارگران پروژه سد تنگ سرخ شیراز و غیره غیره منتشر میشود. جنبش کارگری هر روز گسترده تر میشود و نامه کارگران زندانی بازتاب این موقعیت تعرضی مبارزات کارگری است. زمان آن فرارسیده است که فعالین جنبش کارگری و چهره‌ها و نهادهای مختلف کارگری هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک بشوند، اعتراضات و فعالیتهای خود را هماهنگ کنند و در دفاع از منزلت و معیشت خود و کل جامعه هر چه قدرتمندتر بمیدان بیایند. پرچم رهایی جامعه در دست کارگران است.

هفته گذشته دو تن از فعالین کارگری شاهرخ زمانی و سعید شیرزاد که به جرم دفاع از خواسته‌های برحق کارگران در زندان به سر می‌برند در نامه سرگشاده‌ای به احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل به شرایط غیر انسانی کار و معیشت کارگران در ایران اعتراض کردند. دستمزد يك چهارم زیر خط فقر، ممنوعیت عملی تشکیل سازمانهای مستقل کارگری، سرکوب تظاهرات و اعتراضات کارگری و بازداشت وسیع فعالین جنبش معلمان در اعتراضات اخیر از جمله نکات مطرح شده در این نامه است.

این نامه در شرایطی نوشته میشود که در هفته گذشته پانصد کارگر نیشکر هفت تپه بخاطر دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب زده‌اند، بیش از سه هزار کارگر پالایشگاه بندرعباس در اعتراض به شرایط سخت کار دست از کار کشیدند و در محوطه پالایشگاه تجمع کردند و با انتظامات و نیروهای انتظامی درگیر

حقوق حیوانات بر دین ارجحیت دارد!

مجاز و قانونی اعلام کرده‌اند. اخیراً در آلمان حتی صحبت از ارائه "غذاهای حلال" در مهد کودکها در میان است! باید در برابر این تعرض اسلامیون ایستاد. بخصوص نباید اجازه داد تحت نام کودکان که حیوان دوست‌ترین بخش هر جامعه ای هستند زجرکش کردن حیوانات گسترش پیدا کند. هر کس نسبت به شکنجه کردن حیوانات بی تفاوت باشد، بی شک کودکان نیستند!

تا آنجا که به دولتهای غربی مربوط میشود باید گفت در جوامع اسلامزده‌ای نظیر ایران نه تنها حقوق حیوانات بلکه ابتدائی ترین حقوق انسانها نیز تحت حاکمیت مقدسات و قوانین اسلامی هر روزه نقض

هفته گذشته دولت دانمارک ذبح شرعی حیوانات را در آن کشور ممنوع کرد و این موضوع اعتراض نهادهای اسلامی و یهودی را بدنبال داشت. بنا به قوانین اسلام و یهود حیوانات را باید نیمه کش رها کرد تا بتدریج زجر بکشند و جان بدهند. علت ممنوعیت ذبح شرعی همین جلوگیری از شکنجه مذهبی حیوانات است. بعد از تصویب این ممنوعیت وزیر کشاورزی دانمارک در يك مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت "حقوق حیوانات بر دین ارجحیت دارد". این کاملاً درست است و باید سرمشق تمام دولتهائی قرار بگیرد که ذبح اسلامی حیوانات و فروش "گوشت حلال" در فروشگاهها و رستورانهایشان را

مذاکرات صلح با طالبان،

آیا وزیرستان دیگری در راه است؟



طرفین دعوا پوشیده نیست. تحمیل پذیرش سند همکاریهای امنیتی به افغانستان بخشی از این تحکیم موقعیت و دست یافتن به هژمونی بیشتر و کشاندن طرفین برای رسیدن به توافق است. در عین حال بخشی از ضعف عمیق دستگاه حکومتی افغانستان را بر ملا می کند. تردیدی نیست که پیش از امضای این سند، آنقدر دامنه همکاری و دست اندازی پاکستان و سلطه بر ارگ ریاست جمهوری اسلامی مهیا بوده است که در ادامه به امضای چنین سندی منتهی شود. همکاریهایی که به عملیاتی شدن این سندی منجر شده است به جدالی جلی علیه مردم افغانستان بدل شده است.

پروژه صلح با طالبان، پروژه صلح برای مردم افغانستان نیست. منافع مردم در این مذاکرات نه نمایندگی شده و نه خواهد شد. صلح برای مردم، یعنی کوتاه کردن دست تروریسم، رهایی از چنگال نقشه های شوم غرب و امریکا، رهایی از شر مافیای حکومتی، خلاصی از قومی گری و نفاق ملی، بازگشت امنیت. آرامش به جامعه جز با تعیین تکلیف با جنگ سالاران و چپاولگران حکومتی، ژنرالهای جهادی و کوتاه کردن دست آنان از زندگی مردم ممکن نیست.

اگر قرار است، صلحی برقرار شود، باید مردم بتوانند در آن نقش جلی خود را ایفا کنند. این جز با به میدان آمدن خود این مردم ممکن نخواهد شد. نه امریکا، نه پاکستان، نه طالبان و نه ارگ ریاست جمهوری، هیچکدام مردم افغانستان را نمایندگی نمی کنند. آنچه تحت نام مذاکرات صلح برقرار شده است، ادامه سیاستهای جنگی سابق است.

قابل پوشاندن نیست، کشمکش کسب هژمونی بین محمد یعقوب پسر ارشد ملا عمر از یکسو و ملاختر محمدمنصور معاون اولش و بالاخره به قدرت رسیدن محمدمنصور بعنوان رهبر جدید طالبان منجر شده است. دفتر سیاسی طالبان به رهبری طیب آغا و ملابرادر و در سوی دیگر محاذ فدایی و جبهه حقانی، بخشی دیگر از این تشنتت اند. در میانه پوست اندازی بخشی از طالبان و پیوستن به داعش، تغییر رابطه با پدرخواندگی پاکستان و فشار غرب و مشخصا امریکا برای تغییر شیوه های عملیاتی طالبان، آن را زیر ضرب گرفته است.

این صورت واقعی طرفین مذاکره است. صحنه مذاکرات عملا تابعی از صحنه کشمکشهای نظامی و بند و بست های سیاسی است. بر همین زمینه است که فعالیتهای تروریستی طالبان در همه افغانستان، حتی در مناطقی که هیچگاه حوزه قدرت آن نبوده است بویژه در شمال کشور، اشغال شهرستانها و نواحی مختلف، به چالش کشیدن دستگاه امنیتی و نظامی دولتی، با هجوم سازمان یافته و مداوم، گسترده تر از قبل ادامه می یابد. از سویی طالبان درحال از دست دادن پشت جبهه سنتی خود در پاکستان است و از سویی برای ایجاد وزیرستانی جدید نیاز به سلطه طولانی بر مناطقی دارد که بتواند متصرفات خود و برقراری دولت خود ولو کوچک و محلی را مستقر کند.

آنچه در این مذاکرات پی گرفته میشود، بلون تردید نمی تواند به جنگ خاتمه بدهد. این آغازی بر یک درگیری و کشمکش همه جانبه دیگر، با چشم اندازی خونین در منطقه است. صلح با طالبان پایان جنگ نیست!

- پاکستان و نقش کلیدی اش بعنوان یکی از آتش بیاران اصلی در منازعات منطقه، بر هیچ یک از

رسمها به هزاره ها تحت عنوان مبارزه با داعش، فرمان مسلح شدن و دفاع از خود میدهد. راه اندازی ارتشهای محلی براساس وابستگی های قومی، خارج از سلطه قدرت مرکزی، نشانه ای واضح و آشکار از تضعیف و تزلزل قدرت مرکزی است. تنها گذاردن مردم در حملات تروریستی طالبان بخش دیگری از سازش و یا بی مبالائی و چشم پوشی عمده دولتی است.

- امریکا پس از امضای توافق استراتژیک (BSA) نیاز جدی تری به امنیت و آرامش نسبی برای نیروهایش بعنوان پایگاهی درازمدت برای ماندن و ایفای نقش در معادلات جاری در آسیای میانه دارد.

برای امریکا، همه طرفین مذاکره به نوعی مهمند. رابطه طلابی با پاکستان همانقدر مهم است که ارگ ریاست جمهوری در افغانستان بعنوان یاران سر به راه سیاست امریکا. بکارگیری نیروی فوق ارتجاعی طالبان برای امریکا در تحولات جاری منطقه نیز حایز اهمیت جدی است. اما این نیرو دیگر نمی تواند به همان شکل سابق ادامه حیات بدهد. توان و امکانات این نیرو در حال فروکش کردن است. اما اگر در قدرت دولتی سهیم شود، عملا امکان بقای سیاسی آن مهیا شده است.

- طالبان بعنوان نیرویی که هرگز از قدرت سیاسی در سراسر افغانستان چشم برداشته است، با معضلات جدی برای رسیدن به اهدافش دست بگریبان است. چند دستگی بدنبال ناکام ماندن از بازگشت به قدرت از یکطرف و اختلاف بر سر مسایل کلیدی و تعیین کننده رهبری و استراتژیک که دیگر قابل کتمان و پنهان کردن نیست، عملا طالبان را به چند شاخه عمده تقسیم کرده است. چند دستگی که پس از علنی شدن مرگ ملاعمر، رهبر کاریسما تیک آن دیگر

بخشی از ایجاد زمینه مساعد برای این مصالحه است. همان تروریسم، ناامنی و بی ثباتی که پاکستان خود، بانی، پرورش دهنده و سلسه جنیان آن بوده است، حالا موضوع مذاکرات است! از همین رو تردید بر پروژه وزیرستان سازی جدیدی در افغانستان، به یکی از معادلات مطرح سیاسی در سطح منطقه بدل شده است.

طرفین مذاکرات صلح کدامند؟

رکود اقتصادی وسیع، فقر، بیکاری، گرانی، ناامنی و فلاکت بی سابقه میلیونی، فساد گسترده و غیر قابل توصیف دستگاه اداری، جامعه افغانستان را فلج کرده است. مردم چشم امید به دولت و بهبود اوضاع خود ندارند. در نبود یک آلترناتیو مردمی که بتواند در سطحی سراسری ایفای نقش کند، دست تعرض عوامل حکومتی، در اعمال قدرت در جامعه هر چه بیشتر باز شده است. قدرتهای محلی که مستقلا خود نقش دولت در سایه را ایفا می کنند، به مرور مزدوران و نیروی نظامی خود را گرد می آورند. قدرت متمرکز دولتی به نوعی در حال زوال است. چند دستگی و جنگ قدرت جناح های حکومتی برای تصاحب پستهای کلیدی با شدت بیشتری ادامه دارد.

در درون ارگ ریاست جمهوری شکافها از هر موقع دیگری عمیق تر شده است. نوعی از حاکمیت ملوک الطوائفی عملا در همین ارگ در حال تکوین و شکل گیری است.

ژنرال دوستم، معاون اول و متحد قوی اشرف غنی، عملا پای خود را از شرکت در مذاکرات صلح با طالبان بیرون می کشد و با تهدید به راه انداختن نیروی نظامی ویژه خودش در منطقه فاریاب، دارد راهش را به سوی آینده ای نامعلوم کج می کند. برخی از سران دولت وحدت ملی، مانند محمد محقق،

نیاز سیاسی غرب برای بکارگیری قدرت مخرب طالبان، از سال ۲۰۰۴ خود را مجددا آشکار کرد. تقویت و حفاظت از طالبان بازهم در دستور کار نهادهای سیاسی و امنیتی غرب قرار گرفت و با همان زاویه روی میز رؤسای جمهور افغانستان آمد. نرمش سیاسی علیرغم تشدید فعالیتهای تروریستی و مخرب طالبان به یک وجه شناخته شده این استراتژی بدل گردید.

وابستگی بی چون و چرای بازیگران سیاسی، مرکب از جنگ سالاران جهادی و متنفذین منطقه ای به اضافه خصلت قومی و قبیله ای که غرب برای حفظ آن بسیار کوشید و از هیچ تلاشی برای تقویت آن فروگذار نکرد، منجر به ایجاد مافیایی بسیار پیچیده، مخرب و مرموز بنام دستگاه حکومتی گردید. جدالها و تغییر توازن قوای سیاسی حاد منطقه، حفظ منافع و کسب قدرت و وابستگی های آشکار و پنهان بر سر سیاستها و منافع بین المللی، پاکستان، هندوستان و حتی چین را در کنار اهداف دراز مدت غرب به سردستگی امریکا گرد هم آورده است.

مذاکره با طالبان، خشتی از دیوار استراتژی غرب در منطقه است که با ده ها رشته آشکار و نهان به تحولات و اوضاع سیاسی و منافع بازیگران سیاسی منطقه گره خورده است. در اینجا پاکستان هم با توجه به منافع خود، رقابت دیرینه با هندوستان و هم به نیابت از منافع غرب عطف به نفوذ عمیق و ریشه داری که در تربیت، نگهداری و خط دمی به جناح هایی از طالبان دارد و نیز با حفظ منافع منطقه ای و رقابتهای و درگیریهایش، عملا سکان دار این مذاکرات گردیده است. هژمونی دستگاه امنیتی پاکستان با امضا سند همکاری امنیتی با سازمان امنیت افغانستان برای مقابله با آنچه تروریسم در منطقه خوانده میشود،

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در مورد تحولات منطقه و حملات اخیر دولت ترکیه

بعد از شکست داعش بوسیله نیروهای مسلح کردستان سوریه در هماهنگی با آمریکا در مناطق مرزی دو کشور ترکیه و سوریه، اردوغان و دولت آک پارتی نگرانی خود را اعلام کردند و هشدار دادند که با هدف برقراری امنیت مرزهایشان، به داخل خاک سوریه لشکر کشی میکنند. اردوغان با اعلام این سیاست غیر مستقیم اذعان کرد که همسایگی با داعش را به نیروهای مسلح ضد داعش ترجیح میدهد. زیرا تا وقتی که داعش این مناطق مرزی را در دست داشت اردوغان نگران نبود و روابط خود با داعش را ادامه میداد.

میشد. بنابر این دولت ترکیه نه برای مقابله با داعش بلکه برای سد کردن پیشروی نیروهای ضد داعش میخواید مناطق مرزی فی مابین کوبانی و عفرین را به کنترل خود در آورد. این مناطق هم اکنون تحت کنترل داعش است و دولت ترکیه برای رسیدن به این هدف ناچار است ابتدا داعش را از این مناطق دور کند.

دولت ترکیه میداند که نیروهای مسلح کردستان سوریه در حال شکست داعش در این منطقه اند و این موقعیت اردوغان و آک پارتی را تضعیف میکند. بنابر این هدف دولت ترکیه این است که خود داعش را عقب براند تا بتواند بر منطقه مسلط شود. دولت ترکیه با استقرارش در نوار مرزی فاصله کوبانی و عفرین و در داخل خاک سوریه میخواید هدف را با یک تیر بزند: هم خود را مخالف داعش معرفی کند و هم مانع حضور نیروهای مسلح کردستان سوریه و وصل شدن کوبانی به عفرین بشود.

اما حمله به پ.ک.ک. و بمباران مناطق استقرار آنها اهدافی فراتر از سیاست فوق را دنبال میکنند. اردوغان و داود اوغلو بعد از شکست در انتخابات تا کنون نخواستند و یا نتوانسته اند دولت ائتلافی تشکیل بدهند. اگر تا موعد مقرر (چهل روز) نتوانند دولت تشکیل بدهند ناچار به تجدید انتخابات هستند. بنابراین جنگ با پ.ک.ک. را لازم داشتند تا از این طریق با کسب حمایت ناسیونالیسم ترک بتوانند به تنهایی دولت تشکیل بدهند و طرح ریاست جمهوری را به جای طرح فعلی پارلمانی به تصویب برسانند.

اما پ.ک.ک. با سیاستی که در پیش گرفت آگاهانه یا نا آگاهانه عملاً زمینه اجرای این سیاست را برای اردوغان آماده کرد. دو روز قبل از آغاز بمبارانها رسماً قتل دو نظامی ترکیه را به عهده گرفت و غیر مستقیم فراخوان دفاع مسلحانه از تظاهراتهای شهری را به افراد خود داد. چنانچه در استانبول و چند شهر

دیگر افرادی مسلح و تقابدار در میان تظاهرکنندگان دیده شدند. این سیاست پ.ک.ک. بهانه ای شد که متعاقباً پلیس و نیروهای امنیتی صدها نفر را تحت عنوان مقابله با تروریسم در شهرهای مختلف بازداشت کنند. دولت ترکیه اعلام کرد که همه دستگیر شدگان از افراد مظنون به وابستگی به داعش، پ.ک.ک. و احزاب چپ هستند.

همزمان نیروی هوایی و نیروی زمینی ترکیه با بمباران شمال عراق و مناطق استقرار نیروهای پ.ک.ک. خسارت زیادی به مردم روستاهای شمال کردستان عراق واقع در دامنه قنبدیل و مناطق "بارزان" وارد کرده اند. در نتیجه این بمبارانها علاوه بر تلفات جانی و زخمی شدن تعدادی از مردم و نیروهای پ.ک.ک.، خسارات مالی زیادی به مردم وارد کرده و آتش سوزیهای وسیعی را موجب شده است.

با آغاز حمله دولت ارتش ترکیه به پ.ک.ک. در قنبدیل و داعش در مناطق مرزی بین کوبانی و عفرین، دولت‌های آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا و چندین کشور اروپایی دیگر آنرا حق دولت ترکیه برای تامین امنیت کشور خود دانستند و پ.ک.ک. را محکوم کردند. تعدادی از کشورهای غربی ضمن محکوم کردن سیاست "تروریستی" پ.ک.ک. از دولت ترکیه خواستند که به مسیر صلح و مذاکره با پ.ک.ک. برگردد. حمایت آشکار و ضمنی دولت‌های غربی از دولت ترکیه در نتیجه معامله و توافقاتی است که به موجب آن دولت ترکیه نیز پذیرفته است جنگنده های آمریکا و نیروهای ائتلاف از پایگاه هوایی اینجرلیک علیه داعش استفاده کنند.

در کردستان عراق حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی خود را متحد اردوغان و در جبهه کشورهای غربی میدانند و بقیه احزاب حاکم ضمن محکوم کردن حملات دولت ترکیه به پ.ک.ک. و روستاهای شمال کردستان عراق، در مقابل سیاست‌های اردوغان موضع

گرفته اند. اتحادیه میهنی و "گوران" به رهبری نوشیروان مصطفی و دیگر نیروهای نزدیک به پ.ک.ک. که در قطب بندی منطقه ای خود را در قطب جمهوری اسلامی و مخالف سیاست دولت ترکیه تعریف کرده بودند، اکنون با چالش جدی تازه ای مواجه شده اند و بر خلاف موضع جمهوری اسلامی، در مقابل حملات و بمبارانهای دولت ترکیه علیه پ.ک.ک. قرار گرفته اند.

این تحولات روند اتفاقات منطقه را تا حدودی دستخوش تغییر کرده است. هدف دولت‌های آمریکا و اروپا این است که ضمن همراه کردن دولت ترکیه با کشورهای ائتلاف علیه داعش، بارزانی را هم تقویت کنند. دولت‌های غربی با حمایت از حملات ترکیه علیه پ.ک.ک. میخوایند با تحت فشار قرار دادن پ.ک.ک. و احزاب اقمارش در ترکیه و کردستان سوریه آنها را به قبول قاعده بازی مورد نظر دول غربی و فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و دولت بشار اسد وادار کنند.

حمایت نیروی هوایی آمریکا و نیروهای ائتلاف از نیروی مسلح حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و کمک به عقب راندن داعش از مناطق کردنشین سوریه قرار بود پ.ک.ک. و احزاب نزدیک به آنرا از جبهه اسد و جمهوری اسلامی دور و به جبهه مقابل نزدیک کند. اما پ.ک.ک. و نیروهای نزدیک به آن در کردستان سوریه ضمن دریافت کمک از دول غربی همچنان خود را در جبهه اسد و جمهوری اسلامی حفظ کردند. پ.ک.ک. و احزاب اقمارش در یک سال گذشته هم از کمکهای دول غرب بهره گرفتند و هم از کمک و هماهنگی با دولت اسد و جمهوری اسلامی استفاده کردند. این موقعیت بینابینی، بویژه در شرایطی که پ.ک.ک. و احزاب نزدیک به آن خود را رقیب جدی و مخالف سیاست‌های مسعود بارزانی میدانند، باب طبع دول غرب نیست. این فاکتور مهمی بود که دول غربی به پ.ک.ک. بفهماند اگر از جبهه اسد و

جمهوری اسلامی نقل مکان نکنند، نه تنها نمیتواند از کمک دولتهای غربی بهره ببرد بلکه با حمایت از دولت اردوغان آنها را مورد حمله نیز قرار خواهند داد.

با توجه به تحولات فوق دول غربی میخوایند به پ.ک.ک. بفهماند بدون کمک آنها، نمیتواند موقعیت فعلی را برای خود حفظ کند. به احتمال زیاد پ.ک.ک. و احزاب نزدیک به آن ناچار به عقب نشینی و قبول سیاست دولتهای غربی میشوند. بمبارانهای دولت ترکیه علیه پ.ک.ک. بیش از اینکه فصل تازه و چرخش جدی به آغاز دوره دیگری از درگیری مسلحانه باشد، هشدار و کارت قرمز نشان دادن به پ.ک.ک. برای نقل مکان از جبهه فعلی به جبهه مقابل است.

اما در میان رقابت و کشمکش دولتها و احزاب منطقه، مردم کردستان و همه مردم ساکن خاورمیانه دچار خسارت جانی و مالی زیادی شده اند. میلیونها انسان آواره و هزاران نفر تا کنون قربانی جنگ تروریستهای اسلامی و رقابت دولتهای منطقه شده اند. این جریانات کل خاورمیانه را با آینده ای ناروشن و بحرانی و جنگهای قومی مذهبی درگیر کرده اند.

در این دوره و در دل بحران عمیق خاورمیانه وظیفه کمیونستها و همه نیروهای چپ و آزادیخواه این است که ضمن حمایت از مبارزات حق طلبانه مردم و مقابله با نیروهای تروریست اسلامی، حملات و بمبارانهای دولت ترکیه علیه مردم و احزاب اپوزیسیون را قاطعانه محکوم کنند و برای مقابله با جریانات تروریست اسلامی و خنثی کردن سیاست دولتهای منطقه و جریانات ناسیونالیست و مذهبی در یک جبهه قرار بگیرند و به منظور تاثیر گذاری بیشتر در این راستا اقدامات لازم را در دستور خود قرار بدهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ ژوئیه ۲۰۱۵

اعتراضات معلمان و هراس حکومتیان

شهلا دانشفر

قوانین قوه قضاییه اجازه عفو بدهد یا خیر؟ ما نمی‌توانیم نظری بدهیم." این سخنان بیش از هر چیز از قدرت مبارزه معلمان و هراس حکومتیان از این اعتراضات حکایت دارد. طبعاً معضل مصطفی ناصری با وزارت اطلاعات و امنیت سپاه نه با نفس پیگرد و زندانی کردن معلمان معترض بلکه در ناپهنگام بودن زمان اجرای احکام زندان آنان است. دلیل این ناپهنگام بودن نیز به روشنی گسترده شدن هر روزه اعتراضات معلمان و هراس از کشیدن دامنه آن به بخش‌های دیگر جامعه است. از جمله سران این حکومت به چشم خود دیدند که چگونه علیرغم قشون کشتی هایشان در مقابل مجلس در ۳۱ تیر، معلمان در ساعت مقرر به خیابان آمدند و در محل ماندند و با تظاهرات‌های موضعی خود و با پلاکارد ما همه عبیدی هستیم، شعار معلم زندانی آزاد باید گردد را سر دادند. دیدند که در آن روز معلمان کاری کردند که به قول وی وزیر آموزش و پرورش و نمایندگان مجلس به غلط کردن افتادند و سراسیمه دستور به آزادی همه دستگیر شدگان دادند. و امروز نیز مصطفی ناصری سعی میکند که با "خشن نامیدن" برخوردها با معلمان و پوزش خواهی از آنان، دولت تدبیر و امید را از این ماجرا ها مبری سازد تا بلکه فضای پیر التهاب اعتراضی در میان معلمان را آرام

مصطفی ناصری زنجانی معاون حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری مربوط به سی و دومین اجلاس مدیران و روسای آموزش و پرورش سراسر کشور، در ۸ مرداد ماه در پاسخ به پرسشی در مورد تجمع اعتراضی معلمان در ۳۱ تیر ماه و دستگیری تعدادی از آنان در این روز می‌گوید: "اگر برخورد خشن و نامالیمی در رابطه با فرهنگیان اتفاق افتاده ابراز تاسف می‌کنیم و قبول نداریم حتی اگر به عمد و نامناسب بوده و آن را محکوم کنیم." او در ادامه همین سخنان ضمن اشاره به اینکه در همان ۳۱ تیر وزیر آموزش و پرورش دستور آزادی همه دستگیر شدگان را داده بود، از درخواست "عفو" برای سه تن از معلمان زندانی اسماعیل عبیدی، علی اکبر باغانی و بهشتی خبر داده و می‌گوید: "سه تن از همکاران فرهنگی (عبیدی، بهشتی و باغانی) که طی سال‌های ۸۸ و ۸۹ محکومیت‌هایی داشتند این اواخر آنها را برای اجرای احکام بردند و ما گفتیم که زمان خوبی برای اجرای این حکم انتخاب نکردید؛ این موضوع را به وزارت اطلاعات، امنیت سپاه و... هم منتقل کردیم و امیدواریم مورد عفو قوه قضاییه قرار بگیرند. ما درخواست عفو برای این همکاران کردیم. اما اینکه

کند. دلیلش نیز اینست که هوا را پس دیده و می‌بیند که معلمان کوتاه نمی‌آیند و با خواستهایی چون آزادی همه معلمان زندانی، افزایش دستمزدها به رقمی بالای خط فقر، تحصیل رایگان برای همه، آموزش رایگان برای کودکان یکسکان، اعتراضاتشان هر روز متحد تر به جلو می‌آید. بویژه تاثیرات این مبارزات را در اعتراضات بخش‌های مختلف جامعه و از جمله در اعتراضات پرستاران می‌بیند. مهمتر اینکه می‌بیند که چگونه معلمان در شبکه‌های مدیای اجتماعی، در خطوط تلگرام و واتس‌آپ صفشان را سازمان داده و خود را برای اعتراضات گسترده تر آماده میکنند و دارند قرار و مدار اعتراضات سراسری برای ۱۳ مهر، روز جهانی معلم را می‌گذارند. یک کارزار مهم معلمان آزادی اسماعیل عبیدی و همه معلمان زندانی است. گفته‌های مصطفی ناصری زنجانی در خصوص "عفو" سه معلم زندانی نتیجه فشار این کارزار قدرتمند و هراس وی از گسترش بیشتر دامنه اعتراضات معلمان در سطح جامعه است. اگر چه او خود میداند که "قوانین قضاییه" جنایتکارانه‌شان اجازه این "عفو" را نخواهد داد. در اینجا نیز اوج استیصال و تناقضات و کشاکش هایشان را می‌شود دید.

۲۰۱۵/۳۱/۷

موج آدمکشی جمهوری

اسلامی را متوقف کنیم!

داند. گسترش اعدامها تلاشی از جانب حاکمین اسلامی برای مقتدر جلوه دادن حکومت در نزد مردم معترض است. اما مردم بخوبی آگاهند که حکومت در مذاکرات اتمی پوزه اش به خاک مالیده شده، دعوای درونی اش تشدید شده و توانانی حل هیچ معضلی را ندارد. زمان سرکوب‌های دهه شصت نیز سپری شده است.

این تقلاهای جمهوری اسلامی باید تماماً در هم شکسته شود. همه اعدامها باید فوراً متوقف شوند و احکام اعدام باید ملغی گردند. پاسخ رژیم زخم خورده و درنده خوی جمهوری اسلامی، گسترش اعتراض علیه این حکومت و علیه اعدام و سرکوب است. باید به کمک خانواده‌های محکومین به اعدام و در اجتماعات آنها در مقابل زندانها وسیعاً شرکت کرد. باید هر بساط علنی اعدام را به محلی برای ابراز خشم و اعتراض علیه این ابزار آدمکشی تبدیل کرد. مردم جان به لب رسیده حقوق شهروندی می‌خواهند، آزادی می‌خواهند، رفاه و آسایش می‌خواهند و باید خود را برای اعتصابات و اعتراضات گسترده تر آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مرداد ۱۳۹۴، ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۵

بدنبال توافقات اتمی و با اتمام ماه رمضان موجی از آدمکشی توسط جمهوری اسلامی و در سایه دولت «تدبیر و امیدش» به راه افتاده است. روز ۲۹ تیر ۱۰ نفر به اتهام قتل در زندان رجایی شهر اعدام شدند و روز ۳ مرداد ۱۱ نفر متهم به توزیع مواد مخدر برای اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شدند. در زندان قزلحصار نیز حداقل ۳ نفر برای اجرای حکم اعدام به سلول‌های انفرادی منتقل شده اند. طبق گزارش کمیته بین‌المللی علیه اعدام از خانواده‌های این محکومین خواسته شده که جهت انجام آخرین ملاقات به زندان مراجعه کنند. علاوه بر این موارد مسئولین زندان‌های جمهوری اسلامی از اعدام‌های گسترده در روزهای آینده خبر داده اند.

گسترش اعدامها در ایران قبل از هر چیز پاسخ حکومت اسلامی به اوضاع پس از توافق هسته‌ای است. جمهوری اسلامی پس از سالها کوبیدن بر طبل ضد آمریکایی‌گری و هزینه کردن از زندگی و معیشت مردم بر سر پروژه هسته‌ای اش متحمل عقب نشینی و شکست شد. مقامات حکومت بخوبی آگاهند که مردم معترض و عاصی این عقب نشینی و شکست را بدست نشانه ضعف حکومت می

یادداشت‌های هفته - حقوق حیوانات ...

از صفحه ۵
اسلامی نظیر جمهوری اسلامی و داعش را برسمیت نشناسد و آنها را از نظر سیاسی تحریم کند! حقوق انسانها نه تنها بر دین بلکه بر منافع اقتصادی يك درصدیهای حاکم نیز ارجحیت دارد!

از صفحه ۵
میشود. هر دولتی که مدعی دفاع از تمدن و انسانیت است باید نه تنها به شکنجه حیوانات بلکه به شکنجه مذهبی میلیونها انسان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و داعش و امثالهم اعتراض کند، دولتهای



www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود